

اینجا تبریز است، 29 بهمن سال 1356



اینجا تبریز است، شهر شور و شعور سیاسی و اجتماعی، شهر آلاله های به خون خفته، شهر سرداران شهید، شهری با کارنامه درخشان مبارزات ضد استبدادی، اینجا تبریز است شهری که با خلق حماسه های بی شمار در دفاع از کیان میهن و انقلاب اسلامی نام خود را در تاریخ زنده نگه داشته است.

اینجا تبریز است، شهر شور و شعور سیاسی و اجتماعی، شهر آلاله های به خون خفته، شهر سرداران شهید، شهری با کارنامه درخشان مبارزات ضد استبدادی، اینجا تبریز است شهری که با خلق حماسه های بی شمار در دفاع از کیان میهن و انقلاب اسلامی، نام خود را در تاریخ زنده نگه داشته است.

اینجا تبریز است، تبریزی که با خلق قیام 29 بهمن سال 1356 باعث و بانی خلق حماسه ای بزرگتر در 22 بهمن 1357 شد تا ملت ایران از یوغ استبداد، ظلم و جور، فضای خفقان سیاسی و فرهنگی و از هر گونه وابستگی سیاسی به اجانب رهایی یافته و با بنیان نهادن نظامی جدید بر پایه تعالیم الهی و اسلامی عظمتی دیگر بار در معادلات سیاسی جهان داشته باشند.

قیام خونین مردم مومن و آزادی خواه تبریز در 29 بهمن علیه رژیم سفاک پهلوی از جمله حوادث سیاسی مهم تاریخ معاصر ایران به شمار می رود که پس از حدود یک سال در نهایت منجر به پیروزی انقلاب اسلامی ملت ایران شد.

این حادثه مهم و تاثیرگذار تاریخی در حالی اتفاق افتاد که هنوز رژیم پهلوی اقتدار حکومتی و سرکوبگرانه خود را حفظ کرده و مخالفان سیاسی خود را به شدیدترین شکل ممکن منکوب می کرد، اینکه مردم تبریز به دعوت علمای آن روز و گروه های مختلف سیاسی و مذهبی در بزرگداشت چهلم شهدای قم، به خیابان ها آمده و علیه حاکمیت شعار داده و وضعیت شهر را به مدت چندین ساعت بحرانی کنند، موضوعی است که می تواند از سوی کارشناسان و محققان مورد ارزیابی دقیق علمی و اجتماعی و سیاسی قرار بگیرد.

قیام 29 بهمن مردم تبریز نشان داد که اهالی این خطه از ایران همواره برای رهایی از ستم و دست یابی به آزادی هیچ هراسی از حاکمان نداشته و همواره برای اهداف بزرگ و متعالی خود اراده ای قوی و عزمی جدی دارند.

تبریز و آذربایجان در کمتر از یک قرن دو نقش عمده در تحولات سیاسی و اجتماعی ایران ایفا کرده یکی قیام 29 بهمن سال 1356 و دیگری نهضت مشروطیت به سال 1284 که خاستگاه اصلی آن تبریز بود، توانست سلسله جنیان نظام های استبدادی را به خطر انداخته و بساط ظلم و زور را از جامعه ایرانی برچیند، هر چند بررسی نتایج تاریخی این دو قیام متفاوت از یکدیگر بود، اما وجه اشتراک آنها قیام علیه ظلم، فساد و آزادی خواهی مردم این خطه است.

قیام 29 بهمن تبریز هرچند توسط رژیم خونخوار حاکم با خشونت و گلوله پاسخ داده شد، اما مردم خشمگین تمام نمادهای سلطه و رژیم شاهنشاهی را آتش زدند که این برای سلطنت پهلوی بسیار دردآور و در عین حال دارای پیام های واضح از مبارزات انقلابی به دربار شاه بود، چراکه این قیام تعارض بین ملت و حکومت را به وضوح نشان داد و آغازگر قیام عمومی در سراسر ایران شد که در 22 بهمن 57 منجر به فروپاشی و سقوط کامل رژیم شد.

ساعت 9 صبح روز 29 بهمن 56 مردم برای شرکت در مراسم اربعین شهدای قم در مقابل مسجد قزلی در انتهای خیابان فردوسی و ابتدای ورود به بازارد سرپوشیده تجمع و منتظر شروع مراسم بودند که سرگرد 'حق شناس' رییس کلانتری شش تبریز دستور داد درب مسجد را ببندند.

حق شناس وقتی دوباره به همان محل مراجعه کرد و دید همچنان مردم در حال رفت و آمد هستند، با لحن اهانت آمیزی گفت: 'مگر من نگفته بودم درب این طویله را ببندید!'

با شنیدن این توهین مردم که تاب تحمل اهانت به مسجد را نداشتند، رفتار و گفتار او را بی جواب نگذاشتند.

در این هنگام نیروهای شهربانی شروع به تیراندازی کردند و 'محمد تجلایی' اولین شهیدی بود که در آن روز به دست سرگرد حق شناس به شهادت رسید.

به دنبال این جریانات، مردم به خروش آمده و جنازه شهید تجلایی را بالای دست گرفته و تظاهرات گسترده ای را ابتدا در منطقه بازار و سپس در خیابان های اطراف آغاز کردند، به طوری که حرکت مردم به سمت مرکز شهر و پیوستن جوانان پرشور و

انقلابی به آنها، با آتش زدن سینماها، مشروب فروشی ها، مقر حزب رستاخیز و بانک صادرات که در اختیار بهایی ها بود، این قیام گسترده تر شد.

تنها چند دقیقه از این جریان اولیه نگذشته بود که تمام شهر تبریز به دست تظاهرکنندگان افتاد و نیروهای شهربانی که فاقد توانایی لازم برای مقابله بودند، راه چاره را تیراندازی مستقیم به مردم دیدند که البته با ادامه ناآرامی ها نیروهای کمکی از ارتش نیز برای جلوگیری از سرایت قیام به نقاط دیگر شهر نیز وارد شهر شد.

یکی از مبارزان دوران انقلاب که روز 29 بهمن از ابتدا تا انتهای درگیری ها حضور داشت در گفت و گو با خبرنگار ایرنا، با اشاره به شور و شوق آن دوران و چگونگی حضور مردم در مقابل مسجد قزلی، گفت: دقیقا به یاد دارم که روز 29 بهمن مصادف با روز یکشنبه بود، سه روز قبل من به همراه تعدادی از مبارزان در منزل آیت الله قاضی بودیم که اعلامیه های امام خمینی را آوردند.

' یوسف فغفوری ' افزود: مضمون اعلامیه امام و اعلامیه جداگانه علمای دیگر اعلام عزای عمومی به خاطر شهدای قیام مردم قم بود که در توزیع یا عدم توزیع آنها مردد بودیم و حتی خود آقای قاضی اطمینان نداشتند که مردم تبریز نسبت به این اعلامیه ها واکنش نشان دهند.

وی با بیان اینکه اعلامیه ها را همراه با چند نفر دیگر در سطح شهر توزیع کردند، ادامه داد: روز یکشنبه 29 بهمن سال 1356 بر خلاف انتظار جمعیت انبوهی مقابل مسجد قزلی جمع شده بود و همه منتظر بودن تا درب مسجد باز شده و داخل شوند، اما در این هنگام سرگرد حق شناس با لحن عجیبی اعلام کرد در این طویله را ببندید!!

فغفوری گفت: بلافاصله با این حرف حق شناس فضای مقابل مسجد متشنج شد و مردم تا می توانستند این مامور کلانتری را مورد ضرب و جرح قرار دادند اما با کمک سایر نیروها وی فرار کرد و تا مدت ها معلوم نبود کجاست.

وی اضافه کرد: انبوه جمعیت در خیابان های بازار و اطراف آن شروع به زدو خورد با ماموران کردند و به تدریج با آمدن جمعیت از سایر نقاط شهر، کم کم درگیری های به میدان ساعت و سایر خیابان ها کشیده شد و این وضعیت به شدت تا حدود ساعت 14 ظهر ادامه داشت که با جنگ و گریز بین جمعیت تظاهرکننده و ماموران همراه بود.

این مبارز دوران انقلاب که در آن زمان 30 سال داشت، می گوید: در میدان ساعت به دلیل ازدحام جمعیت نیروهای ارتش وارد میدان شده و از مسلسل با شلیک هوایی استفاده شد که در این هنگام وضعیت این منطقه بسیار متشنج تر شد.

فغفوری ادامه می دهد: همین درگیری ها در برخی نقاط شهر به صورت شدید و در پاره ای از مناطق کمتر تا ساعت 17 همچنان ادامه داشت تا با حضور نیروهای ارتش وضعیت به تدریج آرام شد.

یکی دیگر از مبارزان و شاهدان عینی وقایع 29 بهمن به ایرنا، گفت: در به وجود آمدن این قیام تاریخی نقش آیت الله قاضی بسیار مهم و تعیین کننده بود تا مردم تبریز برای بزرگداشت چهلم شهدای قم در مسجد قزلی حاضر شوند.

بیوک مقدسی با بیان اینکه صبح 29 بهمن از حدود ساعت 8 تا 9 به تدریج جمعیت مقابل مسجد قزلی تجمع می کردند اما هنوز در مسجد بسته بود و عده ای می خواستند آنرا باز کرده و مراسم آغاز شود که جریان توهین حق شناس باعث ایجاد تنش در آن محل و سپس سرایت آن با شدت بیشتر به نقاط دیگر شهر شد.

وی ادامه می دهد: با ادامه حرکت مردم به نقاط مختلف شهر به تدریج اوضاع به دست تظاهرکنندگان افتاده و مراکز فساد و فحشا، سینماها، مشروب فروشی ها به آتش کشیده شدند که این امر نشان دهنده تعمیق اعتقادات دینی و مذهبی در میان مبارزان آن دوران بود.

مقدسی با بیان اینکه پس از قیام خونین 29 بهمن تبریز اعتراضات و مبارزات ضد ستمشاهی شکل علنی تر به خود گرفت، اظهار کرد: پس از این روز اعلامیه های علما و امام خمینی به شکل علنی تر و وسیع تر در میان مردم توزیع می شد.

وی گفت: در این میان دفتر آیت الله قاضی به یکی از کانون های مبارزاتی مردم تبریز علیه رژیم تبدیل شده بود و اعلامیه های امام خمینی از این محل به دست ما می رسید تا در سطح شهر توزیع کنیم.

درباره این قیام خونین در ابعاد و زوایای گوناگون بحث و بررسی های مختلفی صورت گرفته است اما اینکه این روز مهم در

تاریخ سیاسی و اجتماعی آذربایجان و ایران از دیدگاه خبرنگاران آن دوران چگونه تعریف شود می تواند برای بسیاری از مردم جالب توجه باشد.

' احمد بادیران ' که در آن روز 23 سال سن داشت خبرنگار روزنامه کیهان در تبریز بود، درباره وقایع مربوط به قیام 29 بهمن چنین می گوید: روز 28 بهمن بود که در دفتر روزنامه اعلام کردند احتمال اینکه فردا افرادی در اعتراض به رژیم به خیابان ها آمده و تظاهرات کنند و بازار نیز بسته شود، وجود دارد و باید مراقب اوضاع و احوال بوده و اخبار را به موقع پوشش دهیم.

وی افزود: بنده به عنوان یک خبرنگار جوان هرگز تصور نمی کردم کسانی پیدا شده و جرات تظاهرات علیه رژیم داشته باشند، اما ساعت 9 صبح 29 بهمن با دوربین از دفتر روزنامه خارج شده و در مقابل مسجد قزلی حاضر شدم و دیدم که سر بازار مملو از جمعیت است، کمی ترسیدم اما کمی دورتر از در مسجد ایستاده و نظاره گر اوضاع شدم و سپس جلوتر رفتم.

بادیران ادامه می دهد: در حالیکه مردم شعارهایی علیه رژیم و در حمایت از شهدای قم سر می دادند به یکباره صدای شلیک گلوله وضعیت را متشنج تر کرد و من که در 80 متری صحنه بودم شروع به عکس برداری کردم و مردم خشمگین در این هنگام شعارهایی سر می دادند.

وی گفت: شعارهای مردم در ابتدا ' الله اکبر ' و ' مرگ بر فلان کس ' که بعد از مدتی تبدیل به ' مرگ بر شاه ' شد ، سر می دادند و به سرعت به سایر خیابان ها سرانگیز می شدند.

بادیران با بیان اینکه پس از حوادث مقابل مسجد قزلی بلافاصله به دفتر روزنامه برگشتم، افزود: همین که به دفتر رسیدم مسئول وقت روزنامه کیهان در تبریز گفت سریع به خیابان شمس تبریزی و ایستگاه بالاحامام بروم که گویا جمعیتی نیز در این محل تجمع کرده بودند، همین که مقابل مسجد شکلی رسیدم متوجه شدم که از سه راه شمس تبریزی جمعیتی نسبتا زیاد حدود 200 تا 500 نفر به حرکت در آمده و شعارهای علیه رژیم سر می دهند.

وی اضافه کرد: این عده همین که مقابل بانک صادرات رسیدند شیشه های آنرا شکسته و داخل آنرا به آتش کشیدند که از این حادثه نیز عکس گرفته و سریع به دفتر روزنامه بازگشتم.

بادیران می گوید: اما بلافاصله مرا به خیابان دانشسرا فرستادند، مقابل ساختمان کاخ جوانان (اداره کل تبلیغات اسلامی کنونی) که رسیدم دیدم که انبوه جمعیت وارد ساختمان شده و تمام وسایل و تجهیزات آنجا را به آتش زده و به بیرون ریخته اند.

این خبرنگار پیشکسوت تبریزی ادامه می دهد: حوالی ظهر 29 بهمن به چهارراه شریعتی (شهنار) رفتم که تظاهر کنندگان در حال آتش زدن سینماها و مراکز مشروب فروشی بودند که از آنها نیز چند عکس گرفته و خود را برای انتقال اخبار و گزارش ها به دفتر روزنامه کیهان رساندم.

بادیران با اشاره به اینکه حوالی ساعت 14 اوضاع شهر تا حدودی آرام شده بود، گفت: با ورود ماموران گارد شاهنشاهی و نیروهای ارتش به شهر و استقرار آنها در خیابان ها وضعیت بحرانی فروکش کرده بود اما مردم برای مشاهده آثار تخریبی اقدامات تظاهر کنندگان در حال تردد و مشاهده محلی های آسیب دیده بودند.

وی گفت: فردای روز 29 بهمن برای تهیه گزارش از تعداد کشته، مجروحان و دستگیر شدگان به آگاهی تبریز مراجعه کردم اما هیچ اطلاعاتی داده نشد.

بادیران ادامه داد: اما هنگام بازگشت ' حمید خیرخواه ' مشهور به ' آتام حمید ' مامور آگاهی تبریز را دیدم و او با اکره اطلاعاتی را به من ارایه کرد.

وی گفت: بر اساس گفته های وی، 53 نفر زخمی، 583 نفر دستگیر شده و آتش سوزی 69 بانک و شش سینما از آثار قیام 29 بهمن مردم تبریز در روز نخست قیام بود.

بادیران می گوید: این مامور آگاهی تبریز تعداد کشته شدگان این روز را بین 13 تا 18 نفر اعلام کرد که سپس مشخص شد 14 نفر در این قیام به شهادت رسیده اند.

' محمدحسن علملو' یکی دیگر از روزنامه نگاران پیشکسوت تبریزی و خبرنگار جوان و تازه کار آن روزهای تبریز است که خود ناظر

و شاهد رویدادهای قیام 29 بهمن 56 بوده، در باره حوادث آن روز می گوید: خبرنگاری جوان و تازه کار بودم که قیام 29 بهمن تبریز اتفاق افتاد، به سختی می شد باورش کرد، با وجود آنهمه تشکیلات عریض و طویل امنیتی و نظامی و انتظامی رژیم!

وی ادامه می دهد: از چند روز بعد از حادثه خونین اعتراض مردم شهر قم زمزمه هایی همواره در سطح شهر پیچیده و به دفاتر روزنامه ها هم رسیده بود که چهلم شهدای قم در تبریز گرامی داشته می شود، این صحبت ها با توجه به سابقه سیاسی بودن و مهم بودن شهر تبریز به لحاظ مبارزاتی اهمیت زیادی داشت، تا اینکه یکی دو روز مانده به روز 29 بهمن سال 1356 دقیقا معلوم شد که قبل از ظهر روز 29 بهمن مراسم گرامیداشت شهدای قم در مسجد قیلولی تبریز در انتهای خیابان فردوسی سر بازار برگزار می شود.

علملو گفت: صبح روز 29 بهمن شهر تبریز حال و هوای خاصی داشت، صبح اول وقت که دفتر روزنامه رسیدم کاری در شرکت واحد اتوبوسرانی داشتیم که قرار شد من آنجا بروم، دفتر مدیرعامل شرکت بودم که تلفن زنگ زد، وقتی پیام پشت تلفن را شنید دیدم که مضطرب شد و رنگش پرید، در جواب فقط گفت مواظب باشید، وقتی گوشی را گذاشت، پرسیدم چی شده، گفت سر بازار دارد شلوغ می شود.

وی افزود: با شنیدن این خبر دیگر درنگ نکردم و بلافاصله خودم را سر بازار رساندم، وقتی رسیدم دیدم که اوضاع ملتهب است و مردم و حاضران در محل به تدریج برای رفتن به داخل مسجد آماده می شوند، ماموران شهربانی به طور گسترده جلوی مسجد و محوطه های اطراف حضور داشتند، وقتی جمعیت نزدیک مسجد آمدند مامورین قصد جلوگیری داشتند که به یکباره سرگرد (حق شناس) که رئیس کلانتری محل هم بود جلو آمد و با توهین به ساحت مسجد از مردم خواست تا پراکنده شوند که همین انگار کبریتی بود که به باروتی زده باشند، در یک لحظه همه چیز به هم خورد و با اعتراض مردم و شلیک نیروها اولین تیر خورده انقلاب در تبریز خونش به زمین ریخت و بالای دست مردم رفت.

علملو گفت: به دنبال آن بود که حرکت دسته جمعی معترضان با آتش زدن کیوسک پلیس راهنمایی در سر بازار آغاز شد و بعد هم گروهی به سمت خیابان شریعتی کنونی (شهناز سابق) و باغ گلستان و خیابان های منجم و محله دوه چی و گروهی دیگر به سمت میدان دانشسرا و خیابان ثقه الاسلام حرکت کردند.

وی با بیان اینکه ماموران شهربانی و ساواک که از چنین وضعیتی شوکه شده بودند بلافاصله خیابان ها را ترک کرده و به مقرهای خود برگشتند، افزود: خیابان ها برای ساعتی به دست معترضان افتاده بود و جمعیت معترض در خیابان های شهر در حالیکه شعار 'الله اکبر' سر می دادند و شعارهایی نیز بر ضد رژیم بر زبان ها جاری می شد، در طول مسیر هر آنچه را که نام و نشانی از رژیم داشت مثل بانک ها، سینماها، مراکز دولتی و مشروبات فروشی ها یا شیشه هایشان را می شکستند و یا به آتش می کشیدند.

این خبرنگار پیشکسوت ادامه می دهد: در ساعات ظهر ارتش برای برقراری نظم به خیابان ها آمد.

علملو اضافه می کند: هنگام عصر تقریبا اوضاع آرام به نظر می رسید و بسیاری از مردم با ماشین و یا بدون ماشین به خیابان ها آمده و به تماشای اماکن خسارت دیده می پرداختند.

وی گفت: با فرا رسیدن شب دستگیری کسانی که در جریان اعتراضات طول روز شرکت داشتند آغاز شد و روز بعد دادستان وقت تبریز برای خبرنگاران اعلام کرد که بیش از 500 نفر دستگیر شده اند که بعدها به تدریج عده ای از دستگیر شدگان آزاد شدند.

خبرنگار روزنامه اطلاعات در تبریز ادامه می دهد: جالب اینکه چند ماه بعد عده ای از دستگیر شدگان در دادگاهی با حضور وکلای تسخیری محاکمه می شدند که گفته شد: اعلام شده است کسانی که تبریز را به آتش کشیدند از آن سوی مرزها آمده بودند اما اینها که امروز در این دادگاه محاکمه می شوند همگی اهل و ساکن تبریز هستند!؟

علملو با اشاره به شعری در وصف قیام تاریخی مردم تبریز در 29 بهمن، گفت: بعد از پیروزی انقلاب اسلامی یکی از شعرای تبریزی معروف به 'نچار اوغلو' (روانشاد علی عطائیه) قطعه شعری را به زبان ترکی به همین مناسبت برایم جهت چاپ در روزنامه آورده بود که پس از استفاده آنرا پیش خودم نگه داشتم و اکنون بعد از گذشت سالها بد نمی بینم یکبار دیگر آن را به مناسبت سالروز قیام تاریخی مردم تبریز بازگو کنم .

بهمنین آخر گونی قالخیزدی طوفان تبریزیم

شاهیه، درباره اود ووردی اوگون قان تبریزیم
جوشدو قهری، دولدوروب شهری بوتون تکبیر سسی
بو قیامیه وئریب چوخ شهره فرمان تبریزیم
بانگ لار اودلاندى، یاندى قاچدی شاه مامورلاری
قالمادی بیر میخانا، چون ائتدی ویران تبریزیم
ال-اله وئردی جماعت، رعب سالدی دولته
چاره سیز استانداری نه ائتدی گریان تبریزیم
شئره دوندو تک تکی اوگونه اولاد وطن
ظلم کاخین تیتره دیب، گوستردی ایمان تبریزیم
الده داش کرییش، هجوم ائتدی مسلسل قارشینا
انقلابه، رهبره، جان وئردی قوربان تبریزیم
قوخمادی شاهدان، ساواکدان، ایله دی قانلی قیام
قویدو عالم اهلینی دونیاده حیران تبریزیم
شاه دئدی آشوب سالانلار خارجی مزدور دلار
بلمه دی شاهیه باغلیر قانلی پیمان تبریزیم
خارجی یئردن گلن یوخ، زلفعلی دی، مش قلی
کارگر، کئدلی، محصل ائتدی عصیان تبریزیم
مرگ بر شاه مرگ بر شاه سوبله دی آرواد کیشی
انقلابه اولدو اول گونلرده قالخان تبریزیم
اوز حقوقین آماقا تبریزلیلر ائتدی قیام
حق آلان انسانلارا قوریاندى بو جان تبریزیم
(نچار اوغلو) حدن آشدی ظلم، داشدی کاسه سی
اگمه دی باش ظلمه آخر ائتدی طغیان تبریزیم

بدون تردید قیام 29 بهمن ماه سال 1356 مردم تبریز، یکی از نقاط عطف انقلاب اسلامی محسوب می شود که در منابع گوناگون به عنوان یکی از ریشه های اساسی انقلاب اسلامی ایران ذکر شده است، چون باعث شکل گیری سنت 'چهلیم ها' در کشور شد و قیام مردمی را از شهری به شهر دیگر سرایت داد و به ترتیب یزدی ها، شیرازی ها، جهرمی ها، کازرونی ها و در نهایت همه ایران بپا خاستند.

در برخی منابع رسمی رژیم ستمشاهی از جمله روزنامه های کیهان و رستاخیز تعداد شهدا را شش تا 9 نفر اعلام و بعضی منابع نیز با توجه به ابعاد و وسعت قیام و کشتاری که نیروهای امنیتی و مأموران ساواک به راه انداخته بودند، شمار تلفات این قیام را 560 نفر اعلام کردند.

در این حال اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویان اروپا در 9 اسفندماه سال 1357 با صدور اعلامیه ای تعداد شهدا و مجروحان قیام تبریز را 400 نفر ذکر کرد.

بیشتر منابع تعداد مجروحان این قیام تاریخی را 125 نفر ذکر کردند که البته نباید از نظر دور داشت که بسیاری از مردم به دلیل هراس از اینکه مجروحانشان به دست ساواک بیافتند، از انتقال آنان به بیمارستان خودداری کرده بودند.

تعداد دستگیر شدگان قیام 29 بهمن تبریز نیز بین 504 تا 608 نفر متغییر بوده است.

آمار دقیق شهدای قیام خونین 29 بهمن تبریز که پس از پیروزی انقلاب اسلامی به دست آمد، 14 نفر بود که عبارتند از: محرم جبرایلی، سیدحسن جدیری رنجبرآذرفام، پرویز حسن زاده، بهمن اره چی، حبیب تقی نژاد شتربانی، ضربعلی فتحی، محمد تجلایی، جعفر درگاهی، اصغر علیزاده شیخ احمدلو، قربانعلی شاکری، بالاآقا کشاورزی، سیدفیض صالح الوندی و غلامعلی نجفیان پور.

گزارش از: سیدیحیی مرتضائی

7236/1756